

نقش بناهای یادمانی در تکوین راه‌های ارتباطی سده‌های میانی دوران اسلامی منطقه بیجار گروس

چکیده

بی تردید بناهای یادمانی یکی از متداول‌ترین سازه‌های عمومی در معماری اسلامی پس از مساجد به حساب می‌آیند. طی بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار گروس در شرق استان کردستان، تعداد هشت بنا شناسایی شده است. این بناهای یادمانی اکثراً دارای نقشه مشابه و مصالح یکسان هستند. با توجه به قرارگیری این منطقه در مسیرهای ارتباطی شمالغرب به غرب ایران و همچنین همجواری با مراکز مهم حکومتی منجمله مراغه، سلطانیه و تخت سلیمان در دوران اسلامی به نظر می‌رسد بناها علاوه بر کارکرد یادمانی، به عنوان میل راهنما در طی مسیر ارتباطی کاروانیان احداث شده است. با این اوصاف فعالیت‌های علمی در ارتباط با بناهای مذکور در این منطقه به ندرت به انجام رسیده است. هدف از این پژوهش معرفی بناهای یادمانی به منظور ارائه تصویری روشن از راه‌های ارتباطی در دوران اسلامی منطقه بیجار گروس است. لیکن شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در مقایسه بناهای راهنما با مناطق همجوار به ویژه دشت زنجان که از لحاظ محیطی و فرهنگی تقریباً شرایط یکسانی را با منطقه گروس دارند می‌تواند در ترسیم این مهم بسیار حائز اهمیت باشد. بر همین اساس سوالات پژوهش عبارتند: ۱- چه عواملی در شکل‌گیری و ایجاد بناهای یادمانی در منطقه نقش داشته است؟ ۲- سنت و شیوه‌های معماری ادوار قبل تا چه حد در شکل‌گیری بناهای مذکور موثر بوده است؟ ۳- بناهای مورد مطالعه‌ها تا چه حد در بازسازی مسیرهای ارتباطی گذشته موثر هستند و از لحاظ مصالح و شکل ظاهری قابل مقایسه با چه نمونه‌های در منطقه می‌باشند؟ عوامل اجتماعی، مذهبی و سیاسی در تکوین و شکل‌گیری برج‌های منطقه در دوران سلجوقی و ایلخانی نقش داشته‌اند. همجواری با مراکز مهم سیاسی آن روزگار، ایمن بودن مسیر به علت حضور حکام محلی قدرتمند و شرایط محیطی مناسب (دسترسی به آب و وجود روستاهای متعدد در طول مسیر) از مهم‌ترین آنها محسوب می‌گردد. تکیه بر سنت‌های پیشین و استفاده از الگوی برج‌های برجای مانده از دوران تاریخی (ساسانی) و اسلامی در ساخت میل‌های راهنما منطقه موثر بوده است. مشابهت بناهای برجای مانده در منطقه همجوار از جمله میل خوئین، آرامگاه قیدار نبی (ع)، برج گنبد کهریز سیاه منصور (ایجرود) در استان زنجان و مقایسه آنها با بناهای یادمانی منطقه بیجار علاوه بر بازسازی مسیرهای ارتباطی در گذشته، نشان از کارکرد اصلی این سازه‌ها به عنوان میل راهنما را دارد. روش تحقیق در این پژوهش تاریخی تحلیلی است که بر اساس بررسی‌های میدانی، تهیه تصاویر و بررسی متون تاریخی و مدارک کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلید واژگان: دوران اسلامی، ایلخانی، بیجار گروس، بناهای یادمانی، معماری، مسیرهای ارتباطی

مقدمه:

پدیده معماری همواره طی زمان و در بسترهای فرهنگی مختلف مطرح بوده است. یکی از شیوه‌های معماری که آثار زیادی را می‌توان در زیرمجموعه آن قرارداد بناهایی برجی هستند که به صورت مقبره، برج و میل راهنما دیده می‌شوند. در یک برهه از دوران اسلامی بر گور افراد مشهور و حتی غیر مشهور اعم از مذهبی و غیرمذهبی برج‌های ساخته شده‌اند (دورانت، ۱۳۷۲: ۲۰). ساخت مقبره در ایران به زمان قبل از اسلام باز می‌گردد؛ همزمان با هخامنشیان ساخت مقابر در گونه مصطبه شیروانی شکل، در فضای آزاد چون مقبره‌ی کوروش و فضاهای تدفینی کنده شده در دل صخره‌ها رواج داشته است (هیلن براند، ۱۳۷۹: ۵۸). هرچند در عصر ساسانی، تدفین مردگان در خاک به سبب آموزه‌های دین زرتشت مرسوم نبود، اما یادمانهای مذهبی مرتبط با تدفین مردگان -برج‌های مدور خاموش- مربوط به این دوره شناسایی شده است (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۵۷). در ایران اسلامی ساخت مقابر برجی و میل‌های راهنما همراه با دیگر بناهای مذهبی مانند مسجد، آغاز شد و تقریباً به موازات آن پیش رفت. شیوه‌های مختلف ساخت این نوع سازه‌ها از نظر سبک و تزئینات تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و غیرفرهنگی راهی همگام با آئینها و باورهای جامعه پیموده است (حسینی، ۱۳۹۵: ۵۸). در واقع بسترهای جغرافیایی، شرایط اجتماعی، سیاسی و مذهبی و آیینی به روشهای مختلف در معماری نمود یافته است. در دوره سلجوقیان (قرن ۵ و ۶ ق) احداث برج مقبره‌ای و میل‌های راهنما که معمولاً بر سر مسیرهای ارتباطی جهت کمک به کاروانیان در طی مسیر احداث شده‌اند به عنوان یک بنای مذهبی و خدماتی به اوج خود رسید و ساخت برج مقبره‌ها و میل‌ها با پلانهای متنوع در تمام پهنه‌ی جغرافیایی تحت حکومت آنان فراگیر شد (مشبکی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۲۶). دوره ایلخانی نیز از مهمترین دوره‌های ساخت مقابر برجی و میل‌ها در دوران اسلامی است. آزادی مذهبی مغولان از یک سو و رشد فزاینده‌ی فرق و مذاهب از سوی دیگر باعث شده در این دوره با برج مقبره‌هایی با تنوع بیشتر در ساختار و تزئینات مواجه باشیم. در این دوره مناطق مختلف شمالغرب (مراغه، تبریز، سلطانیه) به عنوان پایتخت مغولان، مرکز ثقل هنر و معماری در ایران بود که به مناطق همجوار نیز تأثیرات زیادی نهاده است. برج‌ها بر اساس خاستگاهشان نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کند در سده‌های میانی دوران اسلامی برج‌ها علاوه بر حفظ کارکرد عملی‌شان که به بیشتر عنوان مقبره شناخته شده‌اند در بخش‌هایی نیز این بناها نقش راهنمای مسافران در طی مسیرهای ارتباطی را داشته‌اند. از همین رو شیوه ساخت و تزئینات هشت بنای یادمانی با کارکرد راهنما در منطقه بیجار گروس که نمودار، اندیشه سازندگانش در دوران ایلخانی است، به شیوه تطبیقی مطالعه شده است. اهمیت این پژوهش از آنروست که یکی از پدیده‌های بارز معماری در دوره ایلخانی بنای (مقبره‌ای و میل راهنما) هستند که شیوه ساخت و تزئین آن آشکارکننده ذهنیت سازندگانشان به جامعه خویش است که در بسترهای جغرافیایی و فرهنگی متفاوت پدیدار شده‌اند اما کمتر پژوهشی به مطالعه و نمایان‌سازی این شباهتها و تفاوتها پرداخته است.

در منابع تاریخی و متون مکتوب دوران اسلامی به ویژه قرون میانی دوران اسلامی از بیجار گروس به عنوان یکی از مناطق مهم و موثر در امور سیاسی، اجتماعی، هنری و تاریخی عراق عجم و یا جبال نام بره شده است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۷۷۹) وجود آثار بی‌شمار تاریخی و یادمانی معماری دوران اسلامی منطقه نیز تا حدی نشان دهنده هنرنمایی هنرمندان ادوار مختلف اسلامی بوده که در پرتو حمایت‌های سلاطین به ویژه در دوران سلجوقی و ایلخانی و بالخصوص حاکمان محلی آنان شکل گرفته است. بناهای مورد پژوهش که در شهرستان بیجار گروس واقع شده‌اند از دیدگاه مکان یابی، فرم و کارکرد و استفاده از مصالح بوم آورد قابل مطالعه هستند.

پرسش و فرضیات پژوهش:

این پژوهش سعی دارد تا با مطالعه بناهای (برج) شناسایی شده از بررسی باستانشناختی منطقه بیجار گروس به پرسش‌های پیش رو پاسخ دهد: ۱- چه عواملی در شکل‌گیری و ایجاد بناهای یادمانی در منطقه نقش داشته است؟ ۲- سنت و شیوه‌های معماری ادوار قبل تا چه حد در شکل‌گیری بناها موثر بوده است؟ ۳- بناهای مورد مطالعه‌ها در بازسازی مسیرهای ارتباطی چه نقشی را ایفا و از لحاظ مصالح و شکل ظاهری قابل مقایسه با کدام نمونه‌های در منطقه می‌باشند؟

فرضات پژوهش عبارتند از: عوامل اجتماعی، مذهبی و سیاسی در تکوین و شکل‌گیری برج‌های منطقه در دوران سلجوقی و ایلخانی نقش داشته‌اند. همجواری با مراکز مهم سیاسی آن روزگار، ایمن بودن مسیر به علت حضور حکام محلی قدرتمند و شرایط محیطی مناسب از جمله دسترسی آسان به آب و وجود روستاهای متعدد در طول مسیر از مهم‌ترین آنها محسوب می‌گردد. تکیه بر سنت‌های پیشین و استفاده از الگوی بناهای یادمانی برجای مانده از دوران تاریخی (ساسانی) و اسلامی در ساخت برج‌های راهنما منطقه موثر بوده است. مشابهت برج‌های برجای مانده در منطقه همجوار از جمله میل خوئین، آرامگاه قیدار نبی (ع) و برج گنبد کهریز سیاه منصور (ایجرود) در استان زنجان و مقایسه آنها با برج‌های منطقه بیجار علاوه در بازسازی مسیرهای ارتباطی در گذشته بین دو نقطه مهم تخت سلیمان و سلطانیه، نشان از کارکرد اصلی این برج‌ها به عنوان میل راهنما را دارد.

روش پژوهش:

روش این پژوهش مبتنی بر مطالعات تطبیقی و رویکرد به کارگرفته شده در این پژوهش، تاریخی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات هم از طریق مطالعات کتابخانه ای همراه با بررسی و مشاهده ی میدانی بناها انجام گرفته است. در جمع بندی اطلاعات به دست آمده از رویکرد تحلیلی تطبیقی بهره گرفته شده است. روش تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس مقایسه و تحلیل نگارنده استوار است. فرایند تحقیق نیز شامل معرفی کلی هشت بنای مورد مطالعه، مقایسه ویژگیهای معماری و تزئینات آنها، مشخص نمودن تشابهات و تفاوت های بناهای مورد مطالعه، بحث و تحلیل داده ها و نتیجه گیری نهایی می باشد.

پیشینه پژوهش:

این نوع بنا در بافت و فرهنگ جامعه ایرانی ریشه گرفته و کمتر شهری است که سهمیه ای از این چنین بناهایی نداشته باشد (Hillenbrand, ۲۰۱۲: ۷۶) علیرغم اینکه هیلن براند معتقد است «با توجه به رسوم تدفین پیش از ظهور اسلام در ایران (آیین زردتشت) معماری تدفینی مستقلی به استثنای آرامگاه کورش وجود نداشت»، ولی استودانها ی هخامنشی تخت جمشید و دلمن های اشکانی دشت مغان نمونه هایی از بناهای آرامگاهی قبل از اسلام به شمار می روند. با ورود اسلام به ایران و تغییر سنت تدفین معماری بناهای یادمانی مورد توجه قرار گرفت. برخی از محققان، نخستین آرامگاه اسلامی را قبه الصلیبه، آرامگاه مادر خلیفه المستنصر عباسی در سامرا منتسب به نیمه دوم قرن دوم هجری معرفی می کنند (Hillenbrand, ۲۰۱۲: ۳۴). از سده سوم هجری هیچ نوع بنای یادمانی در ایران که بتوان تاریخ معینی را به آن نسبت داد، باقی نمانده است. به عقیده برخی پژوهشگران، آرامگاههای مطهر امام رضا (ع) حضرت معصومه (س) حضرت عبدالعظیم (ع) و آرامگاه آستانه اشرفیه (گیلان) نخستین آرامگاههای ایرانی را ارائه می نمایند. شاید بتوان تدفین هارون الرشید در خراسان را جزء نمونه های آغازین سنت آرامگاه سازی در ایران قلمداد کرد و زیربنای کوچکی برای تکوین بنای آرامگاه امام رضا (ع) به شمار آورد، لیکن بیشتر محققان آرامگاه امیر سامانی در بخارا را نخستین بانی واقعی آرامگاهی در گستره فرهنگ ایرانی به شمار می آورند (Gheravi, ۱۹۹۷: ۱۳۱). از سده چهارم هجری به بعد ساخت بناهای آرامگاهی در نقاط مختلف گسترش می یابد که از دلایل این گسترش می توان به مهاجرت امامزادگان و سادات به ایران و شهادت یا فوت آنان در آنجا و همچنین شکل گیری دولت ها و حکومت های محلی اشاره کرد (Grabar & Ettinghausen, ۲۰۱۲: ۶۲). یکی از سنت های شیعه که در زمان آل بویه مورد توجه فراوان قرار گرفت، زیارت قبور ائمه شیعه و ساخت گنبد و بارگاه بر مزار ای شان بود. ساخت آرامگاه در دوره های سلجوقی و ایلخانی روند رو به رشدی یافت. در این دوره استفاده از سردابه در زیر بناهای آرامگاهی رواج یافت. همچنین استفاده از آجر علاوه بر جنبه کاربردی آن نقش عنصر تزئینی را ایفا می کرده است (Shahriari, ۲۰۰۸: ۵۴).

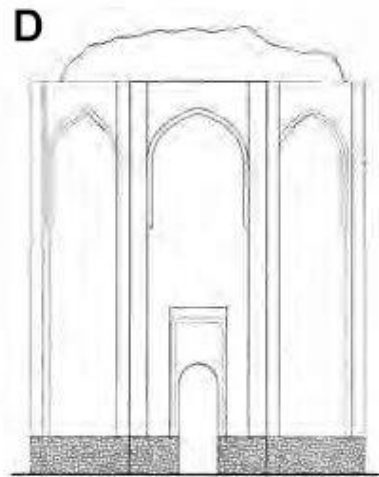
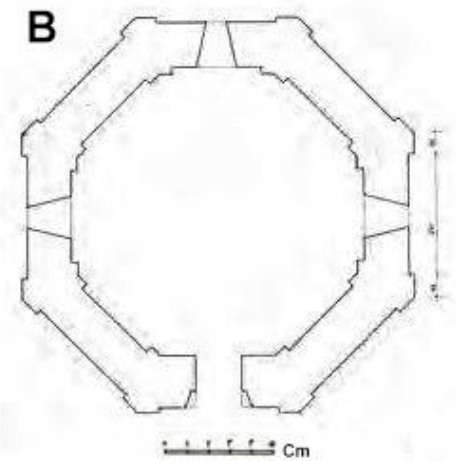
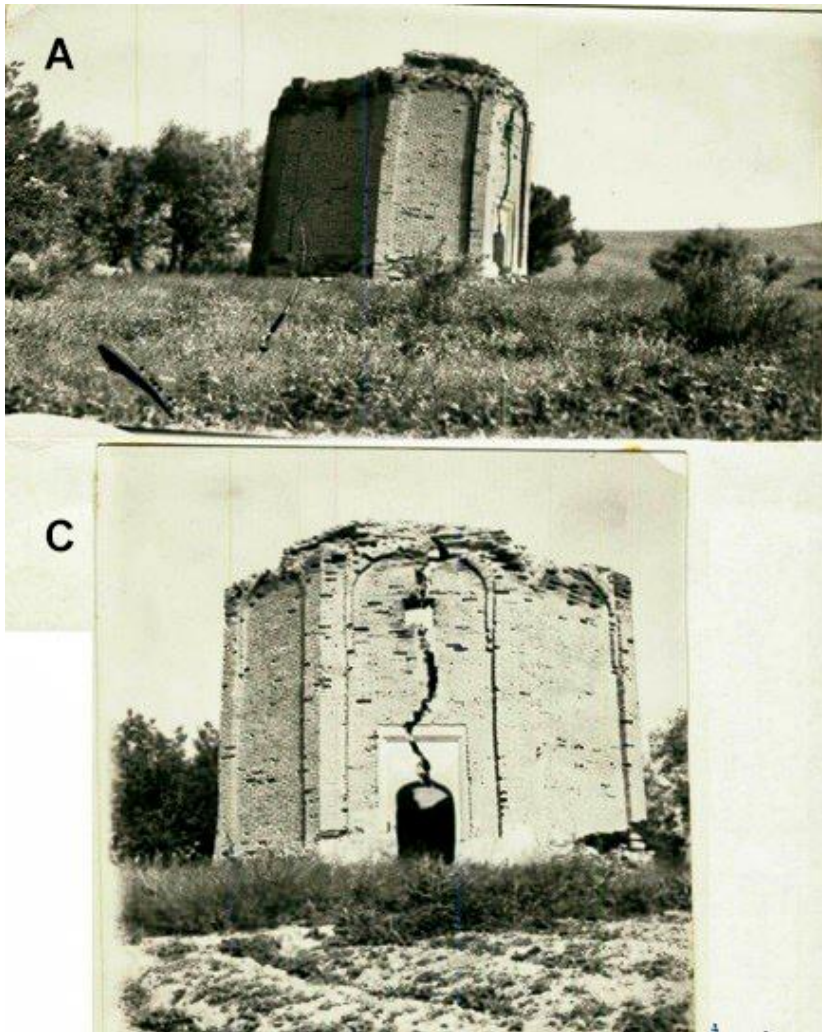
اما راجع به توصیف بناها مورد مطالعه علاوه بر پرونده های ثبتی، که گزارش آنها مربوط به کارشناسی دهه ۱۳۵۰ شمسی می باشد، مختصری از آنها نیز در کتاب سیمای میراث فرهنگی کردستان (زارعی، ۱۳۸۱) و در کتاب آثار فرهنگی، باستانی و تاریخی استان کردستان (زارعی، ۱۳۹۲) منتشر گردیده. مقاله یکی از نگارنده با عنوان بازنشانی سه برج آرامگاهی در شهرستان بیجار استان کردستان تنها کار پژوهشی در این باره است (زارعی، ۱۳۹۶: ۷۷). سپس نگارنده در سال ۱۴۰۱ شمسی در بازدید و بررسی مجدد از بناهای شهرستان بیجار موفق به شناسایی تعداد دیگر از این برج ها شدند که به جهت تکمیل پژوهش به مطالعه آنها پرداخته شده است. این نوشتار پژوهشی مستقل در این زمینه می باشد و هدف آن نشان دادن اهمیت مطالعه کامل این بناها در سده های میانی دوران اسلامی است.

محوطه های دوران اسلامی در منطقه بیجار گروس:

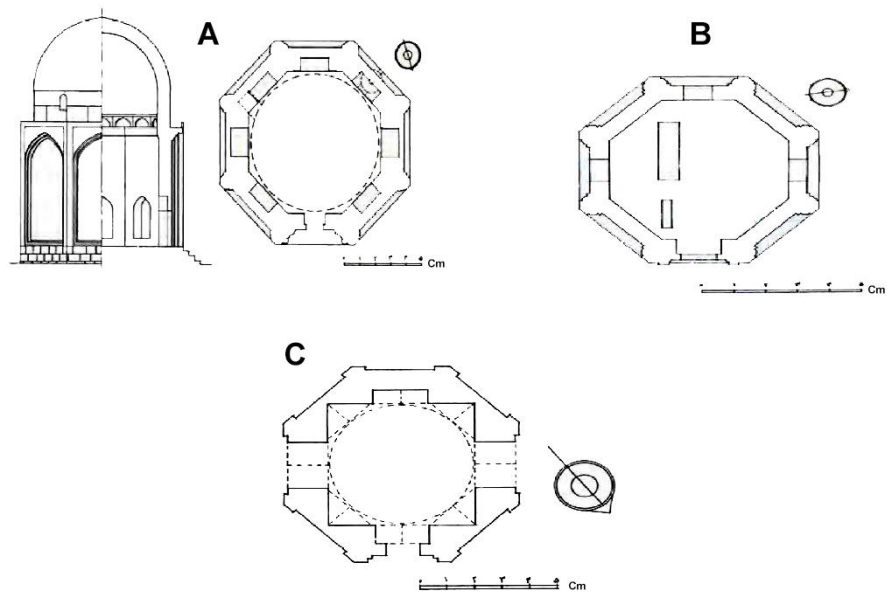
در سال ۱۴۰۱ بر اساس برنامه از پیش تعیین شده منطقه بیجار گروس مجدد مورد بررسی و مطالعه باستان شناسی قرار گرفت. در این اقدام پژوهشی تلاش بر این بود تا دره های ایجاد شده توسط رود قزل اوزن و تلوار که در شهرستان بیجار ایجاد شده با دقت بیشتر مورد پیمایش قرار گیرد. علاوه بر آن مناطق دیگر نیز که قبلاً مورد بررسی در طی ادوار گذشته قرار گرفته بود نیز تحت پوشش پژوهش جدید قرار گرفت. در نتیجه تعداد ۵۱۲ اثر در شهرستان شناسایی شده که استمرار استقرار را از دوره مس و سنگ میانی تا حال حاضر را نشان می دهد. محوطه های دوران اسلامی بیشترین سهم را نسبت به سایر دوره ها به خود اختصاص داده است. از مهم ترین بناها در منطقه بیجار در دوره اسلامی می توان برج های اشقون بابا، ینگ یی اریخ، مغالو، هادی غیب، قاشق، فاضل و هابل، اوچ گنبد را نام برد که در ادامه به معرفی آنها پرداخته خواهد شد.

۱. برج اشقون بابا

اثر معروف به برج اشقون بابا در فاصله دو کیلومتری جنوب شرقی روستای ینگی کند از توابع بخش سیاه منصور و در فاصله تقریبی ۶۰ کیلومتری شمال شهر بیجار قرار گرفته است. به گفته اهالی قبلاً برج به نام باباشاه معروف بوده که برای آخرین بار در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی توسط شخصی به نام علی اشرف (طبق کتیبه گچی سردر آن) بنا مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است. این اثر به شماره ۱۶۴۳ در فهرست آثار ملی کشور با قدمت قرن شش هجری قمری به ثبت رسیده است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۳۱۰). بنای برج در دوران سلامت خود بر روی تپه‌ای نسبتاً به ارتفاع کم با پلان هشت ضلعی توسط آجر احداث شده است. در پی بنا از مصالح سنگی و شفته آهک استفاده شده و ازاره بنا از سنگ‌های مکعبی تا ارتفاع ۶۰ سانتی متر ساخته شده است. بعد از ازاره قسمت اصلی بنا تا پاکار سقف گنبدی با استفاده از آجر با ابعاد ۲۶×۲۶×۵ سانتی متر متعلق به دوران سلجوقی با پیوند منظم ایجاد شده است. بنا دارای تزئینات آجری و آجرکاری با طاقنماهایی از نوع جناغی در اضلاع هشت‌گانه و گوشواره‌های آجری در ابعاد گوناگون بوده، در تزئینات داخلی از قوس تیزدار، طاق نما، قاب گچی و اندود گچی استفاده شده، با استناد به پرونده ثبتی اثر در قسمت بالای طاق نما و در قسمت رخبام کاشی کاری وجود داشته که به صورت یک دست رنگ لاجوردی بکار رفته و در طاق نما با آجر ساده کار شده است. ارتفاع بنا در زمان قبل از تخریب به بیش از ۱۴ متر می‌رسیده است. با توجه به مصالحی که در بنا به کار رفته به نظر می‌رسد در پوشش سقف از گنبد با بکارگیری مقرنس سه گوش در زوایایی هر ضلع استفاده شده، این مقرنس‌ها در گوشه و بالای هر یک از اضلاع با کمی اندود گچی زینت یافته و با ترمیم‌های گوشه سقف گنبدی به صورت دوپوسته گسسته که خود آن از نوع گنبد رگ چند ترک بوده ساخته شده است. براساس فرم و شکل ساخت برج به دوره سلجوقی باز می‌گردد (زارعی، ۱۳۹۶: ۸۰). قطر داخلی بنا ۵ متر و قطر بیرونی آن ۶/۱۷ متر و اندازه هر ضلع ۲/۳۰ متر بوده است. بر روی چهار ضلع چهار نورگیر تعبیه شده که دارای فرم اوژیو می‌باشند و نور داخل برج را تامین نموده‌اند (تصویر ۱). این برج بیشتر به نظر می‌رسد که یک اقامتگاه بین راهی و نقش یک میل راهنما را داشته است. البته با توجه به مقایسه بعمل آمده با بناهای هم دوره از جمله امامزاده جعفر در قم، چلبی اغلو در سلطانیه و امامزاده جعفر در اصفهان از نظر پلان و ساختار کلی قابل مقایسه است (تصویر ۲). همگی بناها ذکر شده مربوط به دوره ایلخانی هستند، و این مسئله را نباید از نظر دور داشت که قبل از به کار گیری آن به عنوان میل راهنما یک برج آرامگاهی بوده‌اند.



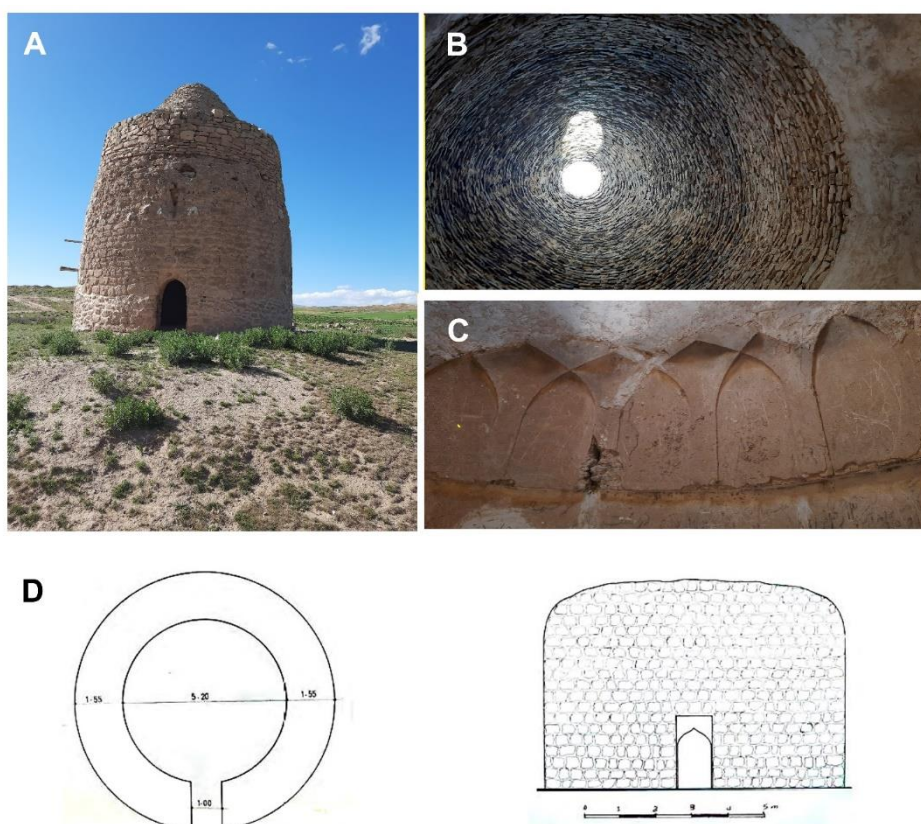
تصویر ۱. نما، پلان و مقطع برج اشقون بابا روستای علیشاه دهستان سیاه منصور (ا. م. ک، ۱۳۵۲)



تصویر ۲. پلان (A) مقبره شیخ براق (B) امامزاده جعفر اصفهان (C) امامزاده جعفر قم (زارعی، ۱۳۹۶: ۸۲)

۲. بنای ینگى ارخ

بنای یادمانی ینگى ارخ در روستای به همین نام از توابع بخش کرانی و به صورت منفرد در ضلع شرقی روستا و به فاصله ۱۵۰ متری از جاده آسفالتی که به سمت خرابه چوله ارخ می‌رود قرار دارد (تصویر ۴). بنادر ۱۷ کیلومتری شمال شرقی بنای اوچ گنبد خان و ۱۱ کیلومتری غرب بنای مغالو شهرستان بیجار قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۰ این اثر به شماره ۵۰۸۱ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. فاصله این بنای تا یاسوگند که در ضلع جنوب شرقی آن قرار دارد ۱۲ کیلومتر است. پلان بنا به حالت مدور با قطر داخلی ۵۲۰ سانتی متر و قطر بیرونی ۸۳۰ سانتی متر و ضخامت دیوار ۱/۱۰ متر و با مصالح گچ و لاشه سنگ‌های محلی ساخته شده، سقف بنا به دلیل عدم رعایت مسائل حفاظتی تخریب شده اما کاربردی‌های گچی آن هنوز باقی مانده است. ارتفاع در قسمت بیرونی بنا به ۸/۱۰ متر و در قسمت داخلی تا قسمت پاکار گنبد به ۵/۹۰ متر می‌رسد. گنبد که بارها مورد مرمت قرار گرفته از نوع دو پوسته که ارتفاع آن به ۲/۲۰ متر می‌رسد (تصویر ۳). این بنا هیچ گونه تزئینات بیرونی ندارد اما در قسمت داخل تزئینات گچی دیده می‌شود، هیچ گونه نوشتار و سندی که تاریخ ساخت بنا را نشان دهد در دسترس نیست و براساس پرونده ثبتی، زمان ساخت ینگى ارخ دوره صفویه مشخص شده است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۳۱۴) ولی با توجه به نمونه‌های مشابه موجود از جمله میل خوئین در ماه نشان و برج کهریز سیاه منصور در ایجرود، به نظر می‌رسد که این بنا نیز هم زمان با سایر برجهای سنگی مورد پژوهش در دوره ایلخانی ساخته شده باشد. این تاریخ تا هنگامی معتبر است که داده‌های تازه‌ای در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی در این منطقه ارائه شود.

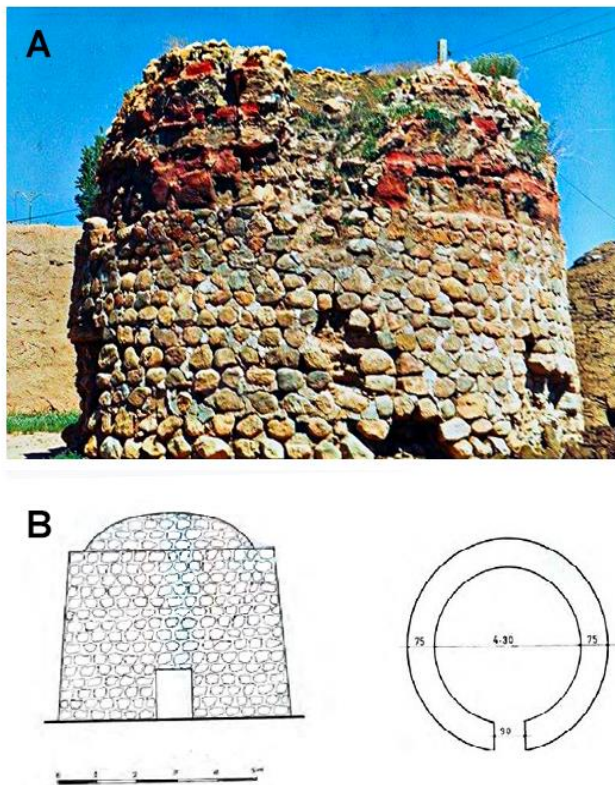


تصویر ۳. پلان، نما و مقطع برج ینگى ارخ (ا. م. ک، ۱۳۵۲)؛ (آ. م. ف. کردستان، ۱۳۶۳)

۳. بنای اوچ گنبد

در غرب روستای اوچ گنبد خان در دهستان طغامین و از توابع بخش کرانی شهرستان بیجار بنای یادمانی اوچ گنبد واقع شده است. پلان اثر به شکل دایره و مصالح آن از سنگ و ساروج است. ارتفاع بنا به ۶ متر می‌رسد و در سال ۱۳۸۰ به شماره ۵۰۸۲ با قدمت صفویه آن را در فهرست آثار ملی کشور ثبت نموده‌اند (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۳۱۴). آنچه که در حال حاضر از ساختار بنا قابل درک است این است که بنا به صورت بنای آرامگاهی و یا میل راهنما در دوره سلجوقی و ایلخانی توسط حاکمان محلی منطقه ساخته شده که همچون برج مدور مراغه از نظر شکل ظاهری قابل مقایسه است (هیلن براند، ۱۳۷۹: ۷۲۰). دلیل نامگذاری آن بی‌ارتباط با پوسته گنبد ساختمان نمی‌باشد هر چند که پوسته خارجی آن تخریب شده است. عرض دیواره

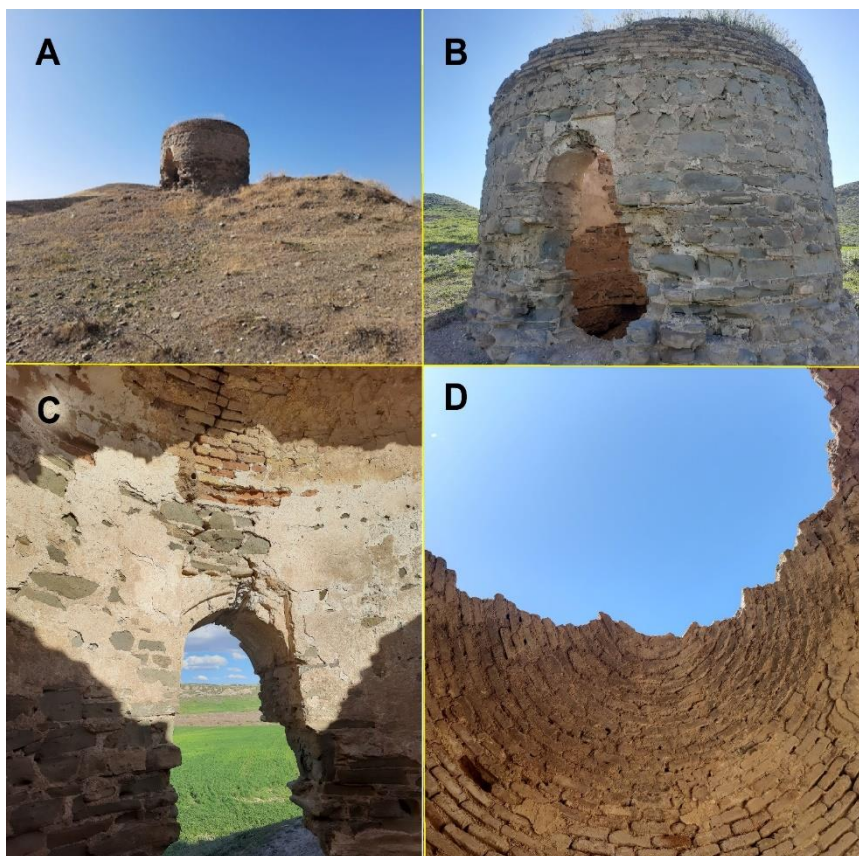
این بنا قابل مقایسه با بنای ینگى ارخ، مغاللو، هادى غيب و قاشق عليا از نظر فرم ساخت و حتى مصالح مى‌باشد. عرض ورودى سنگى بنا ۹۰ و ارتفاع آن ۱/۳۰ متر مى‌باشد. قطر قسمت داخلى بناب يامانى ۴/۳۰ متر و ارتفاع بنا از قسمت بيرونى به ۶ متر مى‌رسد. با احتساب ضخامت ديوارها كه ۷۵ سانتى متر مى‌باشد قطر خارجى برج نيز ۵۸۰ سانتى متر است (تصوير ۴). نکته مهم در ساخت بنا اسفاده از مصالح سنگى كه استادكاران محلى در استفاده از آن مهارت داشته‌اند. احتمالاً بنا گنبد دوپوسته كسسته داشته و گنبد بيرونى نيز از نوع رگ بوده است. نکته مهم در استفاده از لاشه سنگ در ساخت گنبد بوده است. شواهد و مدارك موجود نشان مى‌دهد كه معماران محلى در ساخت گنبد با لاشه سنگ از مهارت قابل توجهى برخوردار بوده اند (زارعى، ۱۳۹۶: ۸۳). با توجه به نمونه‌هاى مشابه موجود از جمله ميل خوئين در ماه نشان و برج كهريز سياه منصور در ايجرود، به نظر مى‌رسد كه اين برج نيز هم زمان با ساير برجهاى سنگى مورد پژوهش در دوره ايلخانى ساخته شده است.



تصوير ۴. پلان، نماو مقطع برج اوج گنبد (ا. م. ك، ۱۳۵۲)؛ (آ. م. ف. كردستان، ۱۳۶۳)

۴. بنای يادمانى مغاللو

بنای يادمانى مغاللو در فاصله ۳۰۰ متری شرق رود قزل اوزن و ۱/۲ كيلومتری غرب جاده آسفالته كه از مغاللو به بيانلو مى‌رود قرار گرفته است (تصوير ۵). اين اثر مانند ساير بناهاى يادمانى منطقه گروس نقشه‌اى دایره‌اى شكل و با همان مصالح يعنى سنگ لاشه محلى، ملات گچ نيم كوب و گل ساخته شده است. ضخامت ديوار در اين برج به ۷۰ سانتى متر مى‌رسد، ارتفاع بنا در حال حاضر ۶/۱۰ متر است. طبق حفارى غير مجازى كه در كنار بنا رخ داده نشان مى‌دهد پى بنا از سنگ‌هاى برزگ و به ارتفاع ۱/۳۰ متر ساخته شده است. قطر داخلى بنا ۴/۳۰ متر و قطر بيرونى آن ۵/۷۰ متر مى‌باشد. در پوشش سقف از آجر به صورت گنبد بيضوى بعد از اتمام بدنه سنگى استفاده شده و لايه گچى كار شده در قسمت داخلى گنبد هنوز موجود است. برج در ضلع شرقى داراى يك درگاه ورودى است كه ارتفاع آن ۱/۹۰ و عرض آن ۸۵ سانتى متر است (تصوير ۵). در قسمت ورودى (سردر) از طاق تيزه دار استفاده شده و به نظر مى‌آيد داراى كتيبه بوده كه امروزه از آن اطلاعى نداريم. در قسمت داخلى بنا از پوشش گچ استفاده شده كه فاقد تزئينات خاصى است. اين بنای يادمانى بر اثر كم توجهى دچار آسیب شديد شده و بخش‌هاى از آن از بين رفته است. قسمت بيرونى اين بنا فاقد هر گونه طاق نما و تزئينات مى‌باشد. با توجه به نمونه‌هاى مشابه در منطقه مانند ميل خوئين، برج كهريز سياه منصور و امامزاده قيدار نبي (ع) به نظر مى‌رسد ساخت اين بنا به دوران ايلخانى باز مى‌گردد.



تصویر ۵. پلان، نما و مقطع برج مغانلو

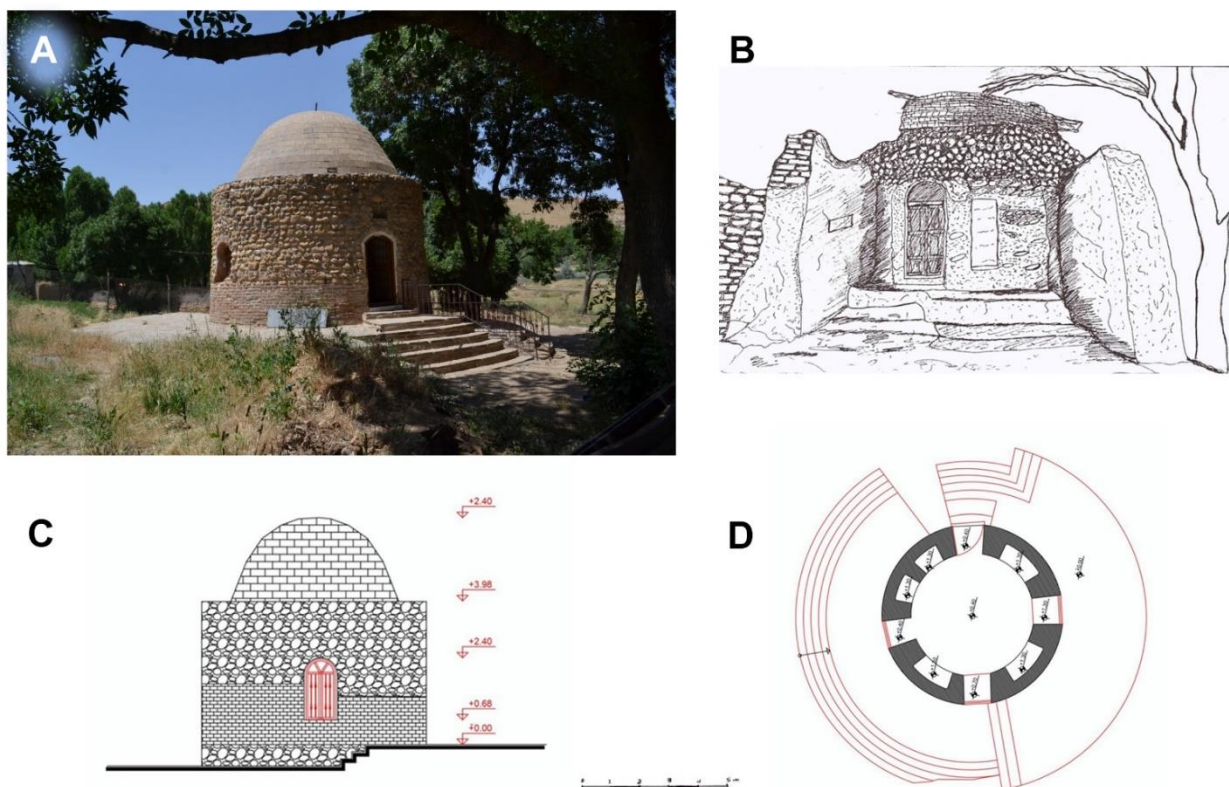
۵. برج‌های فاضل و هابیل، طویه خاتون (شمالی و جنوبی)

در ۲۰۰ متری ضلع جنوبی روستای قمچقای واقع در بخش کرانی دو بنای یادمانی به فاصله ۳۵ متری از یکدیگر وجود دارد که به امامزادگان فاضل، حابل و طویه خاتون منتسب هستند. رودخانه قمچقای در بین روستا و بناها در جریان است. بنای یکی از برج‌ها که به رودخانه نزدیکتر است و در ضلع شمالی بنای دیگری قرار می‌گیرد، سالم و معماری بنای دیگر به چند رج پایین آن محدود شده است. بنای جنوبی در ۳۳ متری بنای شمالی و ۲۳۰ متری جنوب روستا قرار گرفته است. بافت معماری بناها مشابه معماری سنگی بناهای دیگر در منطقه گروس مانند مغانلو، اوچ گنبد و ینگه ارخ می‌باشد و به نوعی تداوم سبک را نشان می‌دهد.

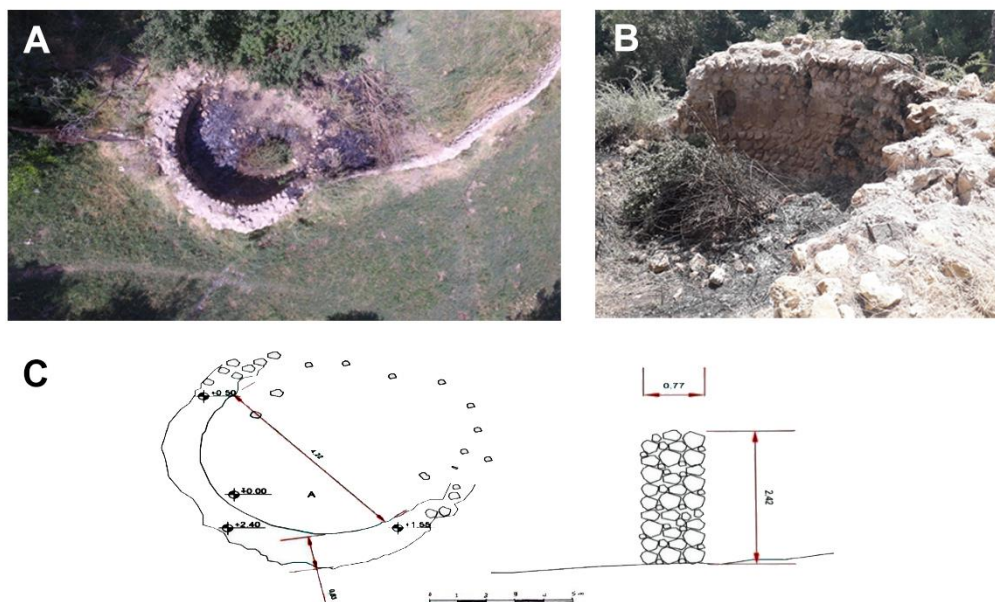
بنای شمالی: اطراف این بنا، سنگ‌چین شده و ارتفاع بنای شمالی (با احتساب ازاره) تا قبل از گنبد ۳۹۸ سانتیمتر است. ارتفاع گنبد به ۲۴۰ سانتیمتر می‌رسد. این بنا دارای یک سرداب در زیر بنای اصلی خود است که ورودی آن زیر ورودی اصلی بنا تعبیه شده است. در هنگام بازدید درب آن با سنگ و ملات مسدود شده بود و امکان بازدید و برداشت آن برای ما میسر نبود. این بنا دارای قاعده‌ای مدور به قطر داخلی ۴۲۰ تا ۴۲۳ سانتیمتر و دیواری به قطر ۸۰ سانتیمتر است. بنا در داخل نیز دارای قاعده‌ای مدور است. درب ورودی آن از سمت شرق باز می‌گردد و در دارای ۳ پنجره با تاق مدور به صورت قرینه است. پنجره ضلع غربی در مقابل در ورودی قرار دارد. در داخل بنا ۵ تاقچه بزرگ و چندین تاقچه کوچک در ردیفی بالاتر ایجاد شده است. سقف گنبدی آن تک پوسته و آجری می‌باشد و پاکار آن روی دیوار اطراف قرار گرفته است. نمای بخش بیرون آن به چهار قسمت تقسیم می‌شود. بخش پایین به ترتیب ازاره شامل ردیفهای سنگی، بدنه یا ساقه بنا آجری، سنگی و بخش فوقانی (گنبد) با آجر کار شده است (تصویر ۶). بنا در سال ۱۳۹۰ توسط اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است.

بنای جنوبی: بنای جنوبی دچار تخریب گسترده‌ای شده به طوریکه فقط بخشهایی از دیوارهای آن باقیمانده است. جنس دیوارهای آن از سنگ و ملات گچ است. نیمه جنوبی دیوارهای آن سالمتر و در بهترین حالت ۲۴۲ سانتیمتر از دیوارهای آن پابرجا است. قطر داخلی این بنا ۴۲۲ سانتیمتر و

ضخامت دیوار آن ۷۷ تا ۸۳ سانتیمتر است (تصویر ۷). در داخل این دیوار یک تاقچه کوچک نیز دیده می‌شود. در داخل دیوار برای تسطیح دیوار، بین رج‌ها را با ملات گچ پوشانده‌اند.



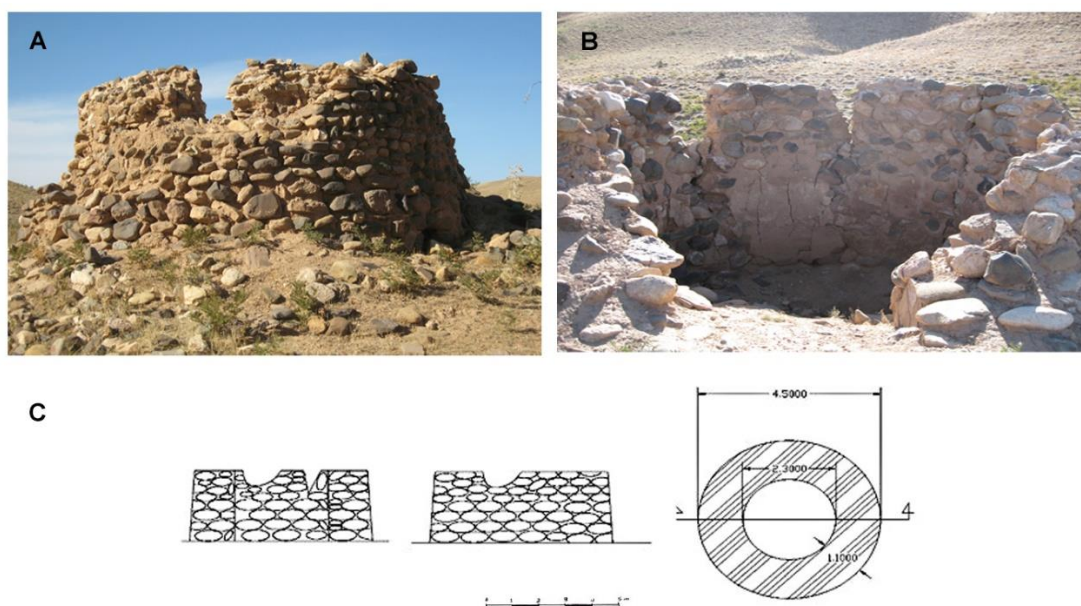
تصویر ۶. پلان، نما و مقطع برج شمالی قمچقای قبل و بعد از مرمت



تصویر ۷. پلان نما و مقطع برج جنوبی قمچقای

۶. برج مدور قاشق سفلی (هادی غیب)

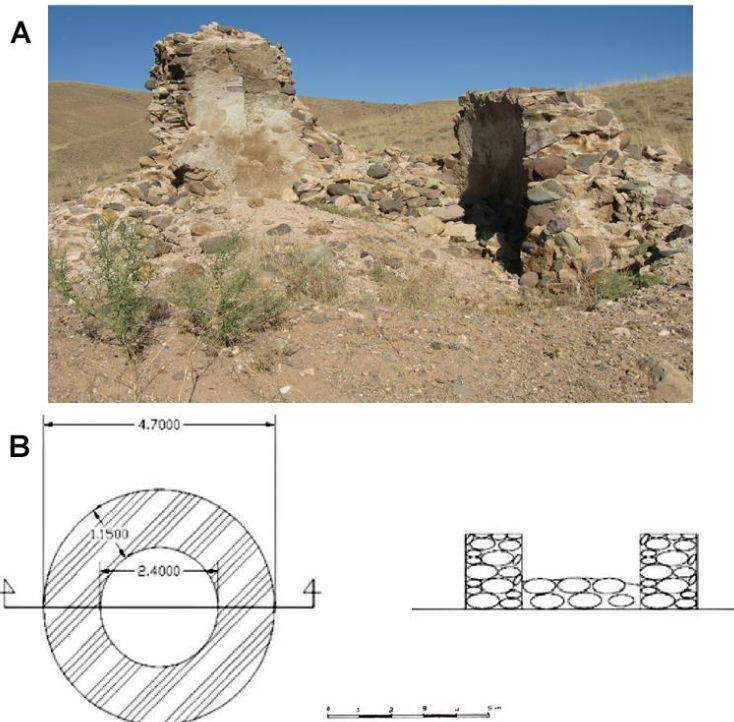
در شمال غربی روستای قاشق سفلی دهستان سیاه منصور شهرستان بیجار، بنا یا میل یادمانی دیگر واقع شده است. پلان آن مانند سایر بناهای یادمانی منطقه مدور و مصالح بکار رفته در ساخت آن بوم آورد که شامل قلوه سنگ، سنگهای لاشه‌ای در ابعاد مختلف، ملاط گچ نیم کوب، گچ و کاه گل است. بر اساس دیوار داخلی باقی مانده بنا دارای اندود گچ می‌باشد. از این بنا فقط دیوارهای آن به اندازه ۲ متر باقی مانده، ضخامت دیوارها به ۱/۱۰ سانتی متر می‌رسد، قطر داخلی بنا ۲/۳۰ متر و قطر بیرونی آن ۴/۵۰ متر است (تصویر ۸). این بنا مانند سایر بناهای یادمانی در دوران ایستایی مسقف و پوشش آن مانند بناهای دیگر بیضوی دو پوسته و با استفاده از آجر ساخته شده است. فاصله برج تا رودخانه فصلی که در ضلع غربی آن قرار گرفته ۳۰ متر و فاصله این بنا که در ضلع جنوبی بنای یادمانی قاشق علیا واقع شده یک کیلومتر است. راه دسترسی به این بنا از طریق روستای قاشق سفلی بعد از عبور از این روستا به سمت قاشق علیا در فاصله ۱۰۰ متری و با عبور از رودخانه فصلی امکان پذیر است.



تصویر ۸. نما، پلان و مقطع بنای یادمانی روستای قاشق علیا

۷. بنای مدور قاشق علیا

در روستای قاشق علیا دهستان سیاه منصور و از توابع بخش مرکزی شهرستان بیجار بنای قاشق علیا واقع شده است. این بنای یادمانی در نزدیکی خرابه های روستای قاشق علیا واقع شده و فاصله آن تا روستای متروکه ۲۰۰ متر است. پلان این بنا مدور و مصالح بکار رفته در ساخت آن بوم آورد است. مصالح شامل قلوه سنگ، سنگهای لاشه‌ای در ابعاد مختلف، ملاط گچ نیم کوب، گچ و کاه گل است. قسمت باقی مانده (دیواره داخلی) دارای اندود گچ می‌باشد که نشاندهنده استفاده گسترده از تزئینات گچی در این بنا است. از این بنا فقط دیوارهای آن به اندازه ۲ متر باقی مانده، ضخامت دیوارها به ۱/۱۵ متر رسد، قطر داخلی بنا ۲/۴۰ متر و قطر بیرونی آن ۴/۷۰ متر است (تصویر ۹). این بنا قطعاً مسقف و پوشش آن مانند بناهای یادمانی مغالو بیضوی دو پوسته و با استفاده از آجر ساخته شده است. فاصله برج تا رودخانه فصلی که در ضلع غربی آن قرار گرفته ۱۵۰ متر و فاصله این بنا که در ضلع جنوبی بنای یادمانی هادی غیب در روستای قاشق سفلی واقع شده ۱ کیلومتر است. راه دسترسی به این بنا از طریق روستای قاشق سفلی بعد از عبور از این روستا به سمت شمال روستا تا قاشق علیا مسیر را طی نموده تا به روستای متروکه قاشق علیا می‌رسیم و در فاصله ۲۰۰ متری شمال شرقی قاشق علیا برج در کنار قبرستان روستا قاشق علیا دیده می‌شود. بنا از تمام لحاظ قابل مقایسه با برج روستای قاشق سفلی و سایر بناهای یادمانی در مناطق همجوار با محدوده مورد پژوهش است.



تصویر ۹. پلان، نما و مقطع برج هادی غیب روستای قاشق

ویژگی بناهای یادمانی و راهنما در منطقه گروس:

خصوصیات کلی این بناهای یادمانی که در دوره‌های ایلخانی و تیموری نهاده شده بودند، ویژگی‌های محلی خاصی نیز پیدا کردند. یکی از وجوه تمایز بناهای یادمانی منطقه گروس با مقابر برجی شکل در سایر نقاط کشور آن است که هیچ یک از مقابر این منطقه دارای سردابه تدفینی نیستند. مواد و مصالح این بناها عموماً از آجر، سنگ ملات گچ و ساروج است. نقشه این بناها در یک مورد ضلعی و بقیه مدور است. گنبد بناهای یادمانی از نوع دو پوسته بوده که با شرایط اقلیمی منطقه در ارتباط است. گنبد داخلی فضای مناسبی برای تزئین داخل مقبره فراهم می‌کرد از سوی دیگر گنبد خارجی به صورت ترکیه‌ای ساخته می‌شده، رفعت و هیبت مقبره را متجلی می‌نموده است. برای ایجاد پوشه‌ی داخلی از روش مرسوم گوشوار زدن استفاده می‌کردند. در بالای سردرب ورودی معمولاً کتیبه‌هایی در یک یا دو ردیف جانمایی می‌شده است. نمای داخلی اغلب این مقابر با گچ و بخش‌های بیرونی بدون تزئین هستند. آجر گنبد بناها با دقت و ظرافت تمام بندکشی شده است. ورودی این بناها نیز غالباً رو به جنوب و شرق دارد. برج‌ها (میل) راهنما در منطقه بیجار به رغم دارابودن ویژگی‌های مشابه، دارای تفاوت‌هایی از نظر ابعاد، ارتفاع، تزئینات وابسته به معماری و ساخت گنبد هستند (جدول ۱). در بروز این ویژگی‌ها دست کم سه عامل عمده، تأثیرگذار بوده‌اند؛ اول، موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی، دوم، سبک‌ها و سلیقه‌های بومی و محلی و سوم، نقش حکومت‌ها و خاندان‌های محلی منطقه است.

جدول ۱. مقایسه برج‌های منطقه بیجار گروس (نگارنده: ۱۴۰۲)

عنوان		اشقون بابا	یئگی ارخ	اوج گنبد	برج فاضل (شمالی)	برج طیبه خاتون (جنوبی)	برج هادی غیب	برج قاشق	برج مغاللو
مشخصات کلی	محل ساخت	روستای علیشاه	روستای یئگی ارخ	روستای اوج گنبد خان	روستای قمچقایی	روستای قمچقایی	روستای قاشق	روستای قاشق	روستای قاشق
مشخصات	سال ساخت	قرن ۶ ه. ق	ایلخانی	ایلخانی	ایلخانی	ایلخانی	ایلخانی	ایلخانی	ایلخانی
	سبک	آذربایجان	محلی	محلی	محلی	محلی	محلی	محلی	محلی
	خارج بنا	مصلح	سنگ، آجر، اندودگچی، شفته آهک	گچ و لاشه سنگ‌های محلی	سنگ و ساروج	آجر، سنگ و ساروج	سنگ و ملات	سنگ و ملات	سنگ و ملات

نمای داخلی و خارجی بنا	داخل بنا	ارتفاع	۱۴ متر	۸۱۰ سانتی متر	۶ متر	۷۸۰ سانتی متر	بخش زیادی از بین رفته	بخش زیادی از بین رفته	بخش زیادی از بین رفته	۶۱۰ سانتی متر
		طاق	جناغی	جناغی	-	جناغی	-	-	-	جناغی
		پلان	هشت ضلعی	مدور	مدور	مدور	مدور	مدور	مدور	مدور
		ابعاد و اندازه	قطر ۱۷ سانتی متر	قطر ۸۳۰ سانتی متر	قطر ۵۸۰ سانتی متر	قطر ۵۵۰ سانتی متر	قطر ۵۷۷ سانتی متر	قطر ۵۱۰ سانتی متر	قطر ۵۴۰ سانتی متر	قطر ۵۷۰ سانتی متر
		ازاره	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ	سنگ
		ابعاد آجر	۲۶×۲۶×۵	۲۶×۲۶×۵	۲۶×۲۶×۵	۲۴×۲۴×۵	-	۲۶×۲۶×۵	۲۱×۲۱×۵	۲۶×۲۶×۵
		مصالح	گچ و آجر	گچ و آجر	سنگ	آجر، سنگ و ساروج	سنگ و ملاط	سنگ و ملاط	سنگ و ملاط	سنگ، آجر و ملاط گچ
		پلان	هشت ضلعی	مدور	مدور	مدور	مدور	مدور	مدور	مدور
		ابعاد و اندازه	قطر ۵۰۲ سانتی متر	قطر ۵۲۰ سانتی متر	قطر ۴۳۰ سانتی متر	قطر ۴۳۰ سانتی متر	قطر ۴۲۲ سانتی متر	قطر ۴۳۰ سانتی متر	قطر ۴۱۰ سانتی متر	قطر ۴۳۰ سانتی متر
		جهت ورودی	ضلع جنوب	ضلع جنوب	ضلع جنوب	ضلع شرق	از بین رفته	از بین رفته	از بین رفته	شرق
گنبد	تزئینات	نورگیر	دارد	-	-	دارد	-	-	-	-
		کف بنا	سنگ مکعبی	گچ نیمکوب	سنگ	آجر	سنگ مکعبی	گچ نیمکوب	گچ نیمکوب	گچ نیمکوب
		سرداب	-	-	-	دارد	-	-	-	-
		تزئینات	آجر کاری	ساده	ساده	ساده	-	-	-	ساده
		فرم	دوپوسته گسسته که خود آن از نوع گنبد رگ چند ترک	تک پوسته	دو پوسته گسسته که خود آن از نوع گنبد رگ	تک پوسته	از بین رفته	از بین رفته	از بین رفته	تک پوسته
	تزئینات	آجر کاری	آجر چینی به صورت خفته و راسته در طاقما و قوس ها	ساده	ساده	ساده	-	-	-	ساده
		گچ بری	استفاده از قاب گچی و اندود گچی در فضاهای داخلی و مقرنس	کاربندی	ساده	-	-	-	-	قاب گچی
		کاشی کاری	رخام دارای کاشی لاجوردی و آجرهای لمبادار	-	-	-	-	-	-	-
		سنگ کاری	در قسمت ازاره	در قسمت پی و ساقه بنا	در قسمت پی و ساقه بنا	در قسمت ازاره	در قسمت ازاره	در قسمت ازاره	در قسمت ازاره	در قسمت پی و ساقه بنا

بناهای یادمانی مشابه در مناطق همجوار

بررسی های نشان می دهد بناهای مورد مطالعه، قابل مقایسه با نمونه بناهای یادمانی شناسایی شده در منطقه همجوار با شهرستان بیجار هستند که برخی از آنها شامل: میل خوئین، گنبد کهریز سیاه منصور، آرامگاه قیدار نبی (ع) شهرستان خداپنده و مقبره شیخ براق در چلبی اوغلو سلطانیه واقع در استان زنجان هستند.

میل خوئین و برج کهریز سیاه منصور

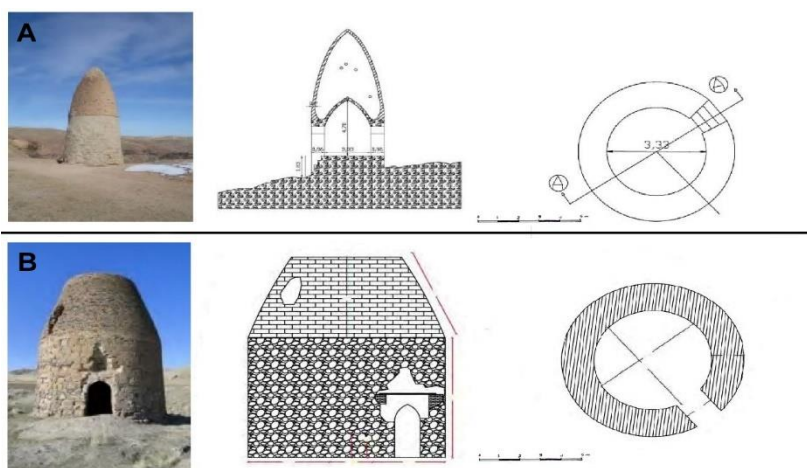
این دو بنا که در استان زنجان و همجوار با منطقه بیجار می باشند از لحاظ مصالح و پلان کامل مشابه با نمونه های معرفی شده در منطقه مورد پژوهش هستند.

مشخصات بناها، عوامل تزئین و نوع آنها

نقشه بناها مدور و ساقه آن از مصالح بوم آورد و بدنه اصلی با لاشه سنگ، گچ و آهک ساخته شده، گنبد بناها دو پوسته از نوع رگ و با آجر کار شده است. میل خوئین در حال حاضر یک ورودی در ضلع شمالی دارد که به جهت ورود به آن می بایست سه پله را طی نمود. همچنین در اضلاع شمالی و جنوبی دارای دو پنجره است. احتمال قریب به یقین قسمتهای بیرونی و یا داخلی اندام بنا مزین به

کتیبه و یا نقوش بوده که متأسفانه با توجه به انجام تعمیرات غیر اصولی در سالهای اخیر (حدوداً ۱۳۵۰ ه. ش) تزئینات از بین رفته یا در زیر لایه های سیمانکاری قرار گرفته اند (تصویر ۱۰ A). بنای کهریز بنایی استوانه ای شکل گنبد دار است. تاریخ ساخت بنا دقیقاً مشخص نمی باشد. در ضلع شمالی

بالای ورودی محل خالی کتیبه ای وجود دارد که به گفته اهالی منطقه در گذشته کتیبه ای سنگی بر آن وجود داشته که تاریخ احداث گنبد در آن ذکر شده بود. این کتیبه امروزه به سرقت رفته اما به گفته مردم محلی تاریخ مرمت بنا بر اساس کتیبه مذکور مربوط به دوره صفویه است. دلیل نامگذاری بنا به گنبد نیز به جهت نوع پوشش گنبدی بنا می باشد. پلان بنا به شکل مدور به قطر ۴۰۴۳ و به ارتفاع ۷۰۲۵ متر است (تصویر ۱۰B). بنای گنبد به شکل یک استوانه بزرگ ساخته شده و پوشش آن از نوع گنبدی است. مصالح بکار رفته در ساخت بنا لاشه سنگ، آجر و ملاط گچ است. سازندگان بنا ساختار استوانه ای بنا را با لاشه سنگهای تقریباً منظم اجرا کرده در ساخت گنبد از آجر استفاده کرده‌اند. البته با توجه به شواهد موجود، احتمالاً گنبد آجری در دوره دیگری به بنا اضافه شده است. هرچند همین گنبد نیز تا انتها نرسیده و تکمیل نشده است. ورودی بنا از طریق یک درگاه کوچک با طاق قوس جناغی است که در ضلع شمالی قرار دارد. داخل بنا کاملاً مدور است و دیوارها دارای پوشش گچی است. با توجه به توضیحات فوق بناهای مذکور کاملاً از لحاظ مصالح و نقشه مشابه نمونه‌های منطقه بیجار هستند. چنین بنظر می‌رسد که ساخت این نوع بناها که امروزه در منطقه زنجان قرار گرفته‌اند در سده‌های میانی دوره اسلامی جزء از محدوده گروس (بخش سیاه منصور) بوده است. این سازه‌ها با این سبک تا حال حاضر در منطقه گروس گزارش شده است



تصویر ۱۰. ۱) تصویر و پلان میل خوئین ۲) تصویر و پلان برج کهریز سیاه منصور

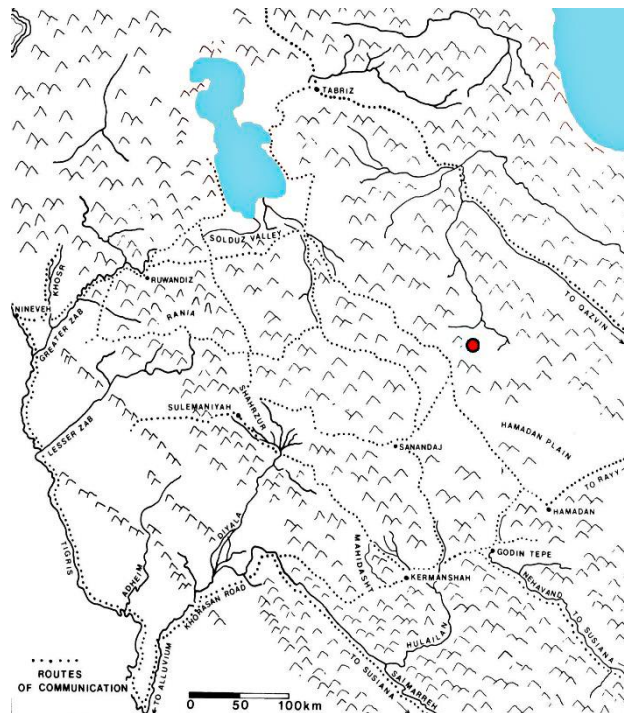
راه‌های ارتباطی منطقه در دوران اسلامی

مطالعه در رابطه با راه‌های باستانی به دو طریق امکان پذیر است. نخست از طریق متون مکتوب که بیشتر یک تصویر کلی از منطقه را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. دوم از طریق تفسیر عکس‌های هوایی و قدیمی پیش از توسعه شهری و کشاورزی است. امروزه در باستان‌شناسی به وفور برای شناسایی راه‌های باستانی و کهنه از عکس‌های هوایی کرونا استفاده می‌شود اما به دلیل عدم دسترسی به این تصاویر در منطقه مورد مطالعه باعث شده تا در بازیابی مسیرهای ارتباطی در این قسمت با مشکل برخورد نماییم. اما با تکیه بر متون مکتوب و سازه‌های معماری برجای مانده (برج‌ها) تا حدی این نقصان را می‌توان رفع نمود. بعد از اسلام، با افزایش اهمیت مناطق جبال و راه‌های ارتباطی آن، منطقه گروس نیز تحت تأثیر قرار گرفت و به طور مستقیم و غیرمستقیم، به برخی راه‌های ارتباطی جبال متصل شد. در سده‌های اولیه دوره اسلامی جغرافیا نویسان مطالبی راجع به منطقه و مسیرهای ارتباطی آن داشته‌اند. ابودلف در سفرنامه خود که در قرن چهارم هجری قمری نگاشته درباره شیز (تخت سلیمان) می‌گوید: شیز شهری است میان مراغه، زنجان، سهرورد و دینور وی ضمن اشاره به شیز از سایر شهرهای منطقه که به وسیله راه‌های مواصلاتی با هم ارتباط داشته‌اند اشارتی نموده است (ابودلف، ۱۳۵۴: ۳۸). در کتاب تذکره جغرافیایی تاریخی ایران به نقل از اصطخری در اشاره به شهرهای شمال ایالت جبال، چنین بیان نموده که در شمال شهر همدان و قزوین شهری وجود نداشت، از شمال همدان راهی از شهر سهرورد به زنجان می‌رفت که این راه بیشتر از همه مستقیم بود اما به دلیل حضور کردها در سهرورد ایمن نبود (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۶۱). این مسیر به عنوان مسیر جایگزین که همدان را به سلطانیه و سپس به زنجان متصل می‌نموده انتخاب شده که از لحاظ بعد مسافتی کمتر بوده است. از مسیرهای ارتباطی دیگر در این دوره، مسیر دینور به آذربایجان است که از دینور، خبازان، تل وان، سی سر، برزه و... می‌گذرد و در مسالک ممالک به آن اشاره شده است (ابن خرداد به، ۱۳۷۱: ۱۲۱). این راه قطعاً از منطقه گروس عبور نموده است.

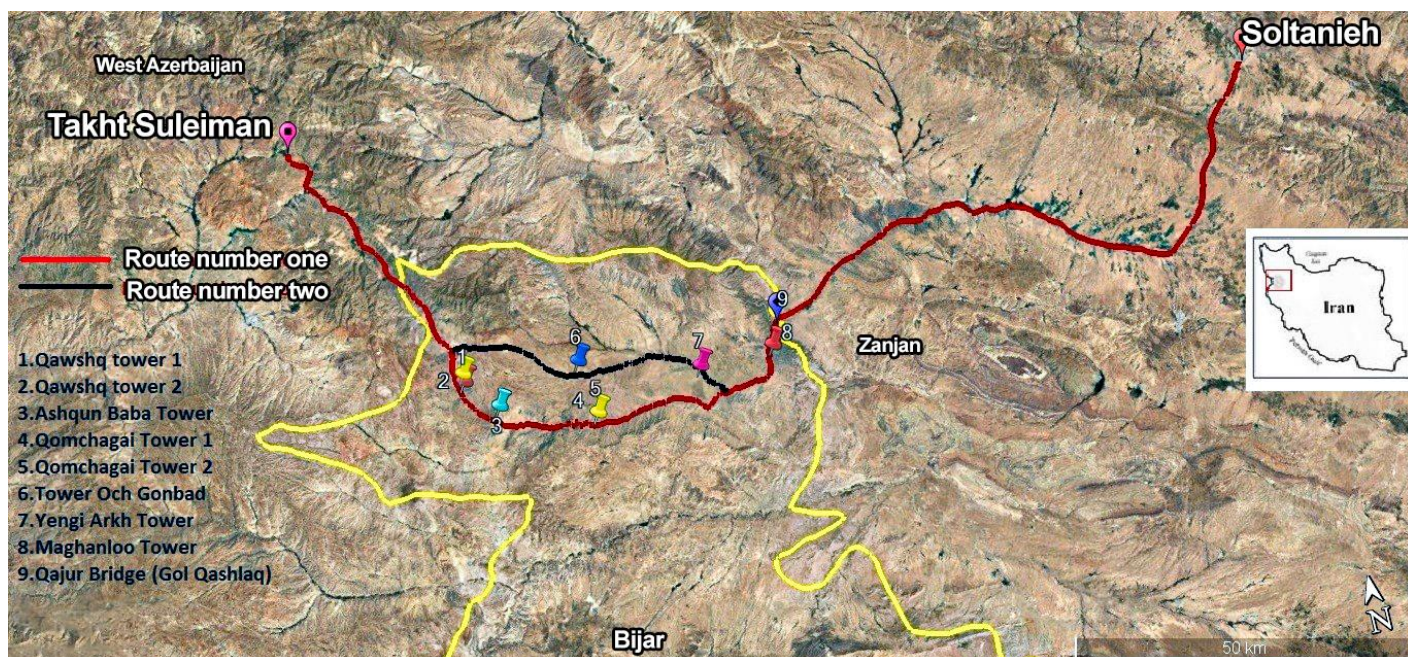
از دیگر راههای مهم مخصوصاً در دوران مغول، راهی بود که بصره را به بغداد متصل می‌کرد و از آنجا از راه اربیل (هولیر) و کوه های کردستان، پس از عبور از منطقه گروس به مراغه و نهایتاً به تبریز می‌رسید. راه ارمنستان صغیر نیز از طریق معابر کوهستانی کردستان یا از راه ارزنه الروم و سیواس در (Lajazzo) یا از راه وان و دیاربکر به بندر لاژاز خلیج اسکندرون می‌رسید که مرکز تجارت بزرگ تجار ایتالیایی و فرانسوی و اسپانیایی بود.

دو مرکز ارتباطی مهم در اطراف منطقه گروس: شاهراه بزرگ خراسان و راههای ارتباطی سلطانی بودند که این منطقه نیز از ارتباط با آنها بهره‌مند می‌شده است. پس از انقراض خلافت عباسیان، شهر سلطانیه رونق یافت و پایتخت ایلخانان شد؛ پس ترتیب جاده‌ها تغییر کرد؛ ولی درواقع این تغییر، در راههای اصلی مؤثر نبود. در اوایل فرمانروایی خلفای عباسی، از سمت راست و چپ شهرهای بزرگی که بر شاهراه خراسان واقع شده بودند راههایی منشعب می‌شد که به دیگر نقاط ایران می‌رفت. از حوالی کرمانشاه راهی به سمت شمال می‌رفت تا به تبریز و شهرهایی می‌رسید که در ساحل دریاچه ارومیه بودند. البته لسترینج در کتاب خود، در توصیف راههای حج در دوران خلافت عباسی نقشه ای ترسیم کرده است که نشان می‌دهد این راه از منطقه گروس می‌گذشته و سپس به طرف تبریز می‌رفته است (لسترینج، ۱۳۶۷: ۱۱). در دوره مغول با پدید آمدن شهر سلطانیه، در بین ابهر و زنجان، بر اهمیت اقتصادی منطقه شمال غرب ایران امروزی افزوده شد. حمدالله مستوفی از شهر سلطانیه به توصیف شاهراهها آن پرداخت؛ به شرح زیر شاهراه جنوبی: راهی که به همدان و از آنجا به بغداد و مکه می‌رفت؛ شاهراه شرقی: به قزوین و ورامین و خراسان؛ شاهراه شمالی: از طریق زنجان به اردبیل و قفقاز؛ شاهراه غربی از زنجان به تبریز و آسیای صغیر و.. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۶۳).

با این اوصاف بیچار گروس در حاشیه مسیرهای از جمله همدان-بغداد، کرمانشاه-آذربایجان و سلطانیه بغداد قرار داشته است (تصویر ۱۱۱). اما مشاهدات میدانی در بررسی‌های باستان‌شناسی در منطقه منجر به بازسازی یک مسیر مهم در سده‌های میانی دوران اسلامی شد که از شیز (تخت سلیمان) تا سلطانیه را با کمک میل‌های راهنما و یادمانی همچنین سازه‌ی دیگر که متصل کننده این را می‌باشد بنام پل قجور با گل قشلاق آن را بازسازی می‌نماید. در متون مکتوب راجع به این مسیر اشاره‌ای نشده اما این راه باعث اتصال منطقه گروس به شاهراه بزرگ خراسان از طریق آذربایجان به ری می‌گردیده است. مسیر انتخاب شده جهت عبور به وسیله بناهای یادمانی که در دوران ایلخانی توسط حکام محلی نشان گذاری شده بود منجر به بازیابی مسیر در هنگام تردد کاروانیان در شرایط مختلف شده است. تمامی مسیر از نقاط پست منطقه می‌گذرد، بر اساس بررسی‌های بعمل آمده به دلیل شرایط آب و هوایی منطقه و قرار گیری آن در بالاترین حد ارتفاعی از سطح دریا باعث انتخاب مسیر از نقاط پست بوده است. بعد از عبور از تخت سلیمان به مسافت ۴۰ کیلومتر از طریق جاده ارتباطی که از میان دره‌های ایجاد شده توسط رودخانه‌ای دائمی (قزل اوزن) به روستای قاشق می‌رسد. در این نقطه مسیر به دو شاخه تبدیل می‌شود یک مسیر که ظاهراً بسیار پر تردد بوده (به دلیل تعداد میل راهنمای بیشتر) مسیر یک بعد از طی یک کیلومتر به بنای یادمانی هادی غیب در روستا قاشق سفلی می‌رسد. سپس با طی مسیری هفت کیلومتری به سمت جنوب به بنای یادمانی اشقون بابا و بعد از آن با طی مسافت پانزده کیلومتری به بناهای یادمانی قمچقای می‌رسد. در ادامه مسیر شماره یک بعد از طی سی کیلومتر از مسیر در میان دره به بنای یادمانی مغالو می‌رسیم و در نهایت با عبور از پل گل قشلاق به سمت سلطانیه می‌رود. اما مسیر شماره دو بعد از بناهای یادمان قاشق علیا به سمت شمال بعد از طی مسافت پانزده کیلومتری از میان دره ایجاد شده توسط رودخانه به بنای یادمانی اوچ گنبد می‌رسد و بعد از آن با مسافت تقریباً بیست کیلومتری به بنای ینگی ارخ می‌رسیم بعد از مسافت کوتاه در ادامه مسیر راه ارتباطی شماره دو به مسیر شماره یک متصل و به بنای مغالو می‌رسد سپس بعد از عبور از پل گل قشلاق که به واسطه عبور و مرور احداث گردید، مسیر ادامه یافته و به سمت سلطانیه پیش می‌رود (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۱. مسیر شمالغرب و غرب ایران (۵۸۲: ۱۹۸۹، Algaze)



تصویر ۱۲. پلان مسیرهای ارتباطی بین بناها

بحث و تحلیل

براساس مطالعه به انجام رسیده در خصوص هشت بنای یادمانی منطقه بیجار گروس، برج اشقون بابا از لحاظ فرم و ساختار در مقایسه با سایر برج های شناسایی شده یک شیوه متفاوت در معماری اسلامی غرب ایران را نشان می دهد. این برج با پلان هشت ضلعی و ارتفاع بیش از ۱۴ متر و مصالح به کار رفته در آن که متشکل از آجر، سنگ، کاشی و همچنین تزئینات گچی گوناگون، در کنار سایر برج های یادمانی مورد مطالعه یک نمونه برجسته از بناهای یادمانی و میل راهنما در سده های میانی دوران اسلامی است. در این بنا قوس های تیزه دار و جناغی، طاق نماهای درونی و بیرونی ساخته شده از آجر و گچ، کاشی کاری در رخیام، گنبد دو پوسته گسسته، خود رگ چند ترک که با کاشی و آجرهای لعابدار فیروزه ای تزئین شده و استفاده از مقرنس آجری به عنوان اصلی ترین شاخص های بنا شناخته می شود. در پرونده ثبتی این اثر زمان ساخت آن را به قرن ششم هجری قمری نسبت

داده اند (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۳۱۰) اما در این خصوص باید با احتیاط سخن گفت چرا که این برج با آثار همچون گنبد شیخ براق یا چلبی اوغلو در سلطانیه، امامزاده جعفر قم و امامزاده جعفر اصفهان از لحاظ کلی قابل مقایسه است و بنابراین می توان گفت دوره ساخت آن به دوران ایلخانی باز می گردد. اما در ساخت هفت برج های یادمانی دیگر از جمله ینگه ارخ، اوچ گنبد، برج های شمالی و جنوبی روستای قمچقای، برج هادی غیب، برج قاوشق، برج مغالو در مقایسه با برج اشقون بابا شیوه متفاوت از لحاظ سبک معماری را نشان می دهد. این برج ها دارای نوعی سبک منحصر به فرد و محلی با پلان مدور هستند که در بنای این برج ها از سنگ و ساروج به عنوان ملات استفاده شد است. وضعیت برخی از این برج ها نشان می دهد که گنبد (سقف) آنها نیز از لاشه سنگ و به صورت دو پوسته است. ابعاد داخلی این برج ها تقریباً مشابه و قطر ۴ الی چهارمتر و نیم و قطر خارجی آنها بین ۵ الی ۶ متر است. ضخامت دیواره آنها نیز معمولاً یک متر، اندکی بیشتر یا کمتر است. سر در ورودی این بناها در جهت جنوب و شرق ایجاد شده و بر اساس نمونه های باقی مانده در قسمت بالای سر در ورودی کوتاه آنها کتیبه ای که معمولاً در جهت معرفی بنا و یا در جهت اشاره به مرمت آن در دوره های بعدی بوده وجود داشته است. نمای داخلی اغلب این برج ها با گچ و بخش های بیرونی بدون تزئین هستند. هر چند در پرونده ثبتی برخی از این برج ها زمان ساخت را دوره صفویه دانسته اند اما آنچه که قابل درک است از نظر شکل ظاهری و نقشه این برج های که قابل مقایسه با برج مدور مراغه هستند (هیلن براند، ۱۳۷۹: ۲۰) زمان ساخت آنها به دوران ایلخانی باز می گردد. از لحاظ ساختار و فرم از نمونه های مشابه دیگر این نوع برج ها راهنما می توان میل خوئین و برج کهریر در استان زنجان را نام برد.

بنای برج های که در این منطقه بیجار گروس وجود دارند امروز بر پایه مطالعات به انجام رسیده منجر به باز سازی یک مسیر ارتباطی در سده های میانی دوران اسلامی شده اند که پیشتر از آن این محور برای ما نشانخته بود. با ترسیم خط ارتباطی بین این برج ها دو مسیر در محدوده این شهرستان قابل تصور است که در نهایت بعد از عبور از پل قجور به عنوان یک بنای مهم از دوران ایلخانی که بر روی رودخانه قزل اوزن احداث شده، ارتباط تخت سلیمان به سلطانیه به عنوان یک مسیر مهم عبور کاروانیان را نمایان می سازد.

نتیجه گیری:

تحولات سیاسی در منطقه گروس که امروزه بخش گسترده ای از آن در استان کردستان قرار گرفته، در طی سده های میانی تا متاخر اسلامی بسیار شدید و پرفراز و نشیب بوده است. این تحولات که شامل درگیری های اقوام و گروه های سیاسی، مهاجر اقوام کرد، هجوم و جنگ های خونین بیگانگان و... است، موجب تاثیر و تاثر بر رفتار و اعتقادات مردم و در نهایت در خلق آثار هنری از جمله آثار معماری شده است. وجود تعدادی از بناهای با نقشه مدور گنبدی در منطقه معروف به میل یا گنبد که کاربری دقیق آنها مشخص نیست، می تواند برآیندی از تاثیر تحولات سیاسی در هنر معماری آرامگاهی باشد. تحولاتی که در یک دوره موجب اهمیت به جسد متوفی و ساخت آرامگاه برای شخص است و در دوره ای دیگر فراموشی و عدم مراقبت و نگهداری از آرامگاه است. در هر حال چنین بناهایی در گوشه و کنار استان کردستان، در مناطق روستایی و در ابعاد و اندازه های مختلف با عنوان گنبد و میل از سده های گذشته بر جای مانده است. برج های آرامگاهی منطقه نمونه شاخص از میل های راهنما در کنار مسیرهای ارتباطی می باشند که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفتند. مطالعه ساختار معماری بنا و مقایسه اجزای معماری آن به خصوص شکل گنبد، ساقه بنا و ازاره آن با برخی بناهای داخل و بیرون استان نشانگر آن است که هر هشت بنا مربوط به سده ی ۵ تا ۸ هجری و با اندکی متاخرتر و نشأت گرفته از معماری آن دوره است. آنچه مشخص است بناهای مذکور در میان مردم محلی به میل و گنبد معروف هستند و هیچ مدرک مستندی از کاربری بناها موجود نمی باشد. اما با توجه به بررسی ها و مقایسه بعمل آمده از بناهای "بقعه شیخ براق (چلبی اوغلو)، آرامگاه قیدار نبی و برج کهریر سیاه منصور شهر ایجرود استان زنجان" و انطباق آنها از نظر معماری به نظر می رسد سال ساخت بناهای فوق الذکر نیز تقریباً همزمان بوده و مربوط به سده های ۵ تا ۸ هجری است. با این وجود تاریخ گذاری انجام یافته در این مطالعه نسبی برای ارائه تاریخ و عملکردی دقیق و شفاف از بناهای مذکور نیازمند مطالعات میدانی بیشتر از جمله کاوش و گمانه زنی باستان شناختی است.

از سوی دیگر این بناهای یادمانی منجر به بازسازی و تکوین راه ارتباطی سده های میانی دوره اسلامی در منطقه گردیده اند که در منابع و متون به آن اشاره نشده است. همانطور که پیشتر نیز اشاره گردیده وجود دو مرکز مهم حکومتی در جوار منطقه مورد مطالعه در سده های میانی (ایلخانی) باعث شده تا منطقه گروس نقش یک مسیر ارتباطی میان دو مرکز را داشته باشد. با توجه به شرایط محیطی منطقه مسیر انتخابی که از تخت سلیمان به سلطانیه می رود از منطقه شمال بیجار عبور می نماید و به همین دلیل کاروانیان، بناهای یادمانی که در طی مسیر با فرسنگ های مشخص تعبیه شده تا عبور را برای رهگذران سهل نماید را به عنوان میل راهنما استفاده نموده اند به غیر یک بنای که دارای تزئینات منحصر به فرد آجری دوران سلجوقی بوده سایر بناهای یادمانی حالت ساده و با مصالح بومی بالخص سنگ که مقاومت بیشتری را در برابر سرما داشته احداث شده اند. حتی برای عبور از روی رودخانه قزل اوزن که در آن برهه زمانی از دبی آب بسیار بالای برخورداری بوده اقدام به احداث پلی بنام قجور (گل قشلاق) می گردد. بدینوسیله مسیر ارتباطی به سوی سلطانیه که از نقاط کم ارتفاع و در داخل دره های طبیعی منطقه عبور می نماید.

منابع و ماخذ:

- آموزگار، ژاله، تفضلی، احمد؛ ۱۳۷۵. تاریخ ادبیات پیش از اسلام، انتشارات سخن، تهران.
- آ. م. فرهنگی استان کردستان؛ ۱۳۵۲. میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- آ. م. فرهنگی استان کردستان؛ ۱۳۶۳. میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- ابن حوقل؛ ۱۳۶۶. صورة الارض، ترجمه: جعفر شعار، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ابن خردادبه، ۱۳۷۱. مسالك الممالك، بکوشش سعید خاکرند، انتشارات موسسه مطالعات تاریخی میراث ملل، تهران.
- ابودلف، مسعر بن المهلهل الخزرچی؛ ۱۳۵۴. سفرنامه، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، انتشارات زوار، تهران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم؛ ۱۳۴۰. مسالك الممالك، بکوشش ایرج افشار، انتشارات ترجمه و نشر، تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی؛ ۱۳۶۷. مراه البلدان، مصحح: نوای عبدالحسین، دانشگاه تهران، تهران.
- بارتولد، و؛ ۱۳۰۸، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، انتشارات اتحادیه تهران.
- پازوکی، ناصر. شادمهر، عبدالکریم؛ ۱۳۸۴. آثار ثبت شده در فهرست ملی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- حسینی، سجاد؛ و پور کریمی، پرویز؛ ۱۳۹۵. برج مقبره‌های مشابه با برج مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی از منظر تزئینات معماری، مجموعه مقالات همایش بین المللی معاصر سازی سنتهای معماری اسلامی ایرانی، اردبیل.
- دورانت، ویلیام جیمز؛ ۱۳۷۲. تاریخ تمدن (جلد ۲)، ترجمه امیر حسین آریانپور، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- زارعی، محمد ابراهیم؛ ۱۳۸۱. سیمای میراث فرهنگی کردستان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- زارعی، محمد ابراهیم؛ ۱۳۹۲. آثار فرهنگی باستانی و تاریخی استان کردستان، همدان-تهران، دانشگاه بوعلی سینا، انتشارات سبحان نور.
- زارعی، محمد ابراهیم؛ ۱۳۹۶. بازشناسی سه برج آرامگاهی: اشقون بابا، اوچ گنبد خان و ینگه ارخ در شهرستان بیجار استان کردستان، مجله مطالعات باستان شناسی پارسه، شماره ۲، صص ۷۷-۸۹.
- لسترنج، گای، م؛ ۱۳۶۴. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمد عرفان، انتشارات علمی فرهنگی.
- مردوخ کردستانی، شیخ محمد؛ ۱۳۵۲. تاریخ مردوخ، نشر غریقی، سنندج.
- مستوفی، حمدالله؛ ۱۳۶۴. تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- مستوفی، حمدالله؛ ۱۳۶۲. نزهة القلوب، به اهتمام لسترنج گای، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
- مشبکی اصفهانی، علیرضا؛ ۱۳۹۷. مقایسه تطبیقی معماری مقابر دوره سلجوقیان و ایلخانیان در شهرستان مراغه با نگرش کالبدی، دو ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال ۳، شماره ۲، صص ۱-۱۱.
- منشی قمی، احمد؛ ۱۳۵۹. خلاصه التواریخ، انتشارات دانشگاه تهران.
- هیلن براند، رابرت؛ ۱۳۷۹ معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شهرداری تهران.

- Algaze, Guillermo . ۱۹۸۹. *Dynamics of Expansion of Early Mesopotamian Civilization*, Journal of Field Archaeology ,Vol. ۲۱, No. ۴.
- Hillenbrand, R. (۲۰۱۲) . *Islamic Architecture* (A. S. B., Trans.) , Rozaneh Publishers.
- Gheravi, M. (۱۹۹۷) . *Tombs in the scope of Iranian culture*. Anjomane Mafakhre Farhangi Iran Publishers
- Grabar, O., & Ettinghausen, R. (۲۰۱۲) . *Islamic art and architecture* (Y. Ajhand, Trans.) . Samt.
- Shahriari, S. (۲۰۰۸) . *The role of brickwork in the decoration of Seljuk period tombs* Tehran University
- Zarei, M. A. (۲۰۰۲) . *Portrait of cultural heritage Kurdistan*. Tehran: Press of orga- Downloaded from journal. richt. ir at ۹: ۱۰ IRST on Tuesday January ۸th ۲۰۱۹ nization of cultural heritage
- Zarei, M. A. (۲۰۰۶) . *Heritage of regained, report of performance of years ۱۹۹۸ to ۲۰۰۶*. Snandaj: Archive . (administration of cultural heritage in Kurdistan province (unpublished
- Zarei, M. A. (۲۰۱۳) . *Traces of cultural, ancient, and historical Kurdistan Province* Tehran: Sobhan Nor press